

ملاله جویا صدائی از مقاومت در افغانستان

سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۹ مارس ۲۰۱۰

Suzanne Weiss
Socialist Voice

بمناسبت انتشار کتاب جدید خانم ملاله جویا بنام:

'A Woman Among Warlords: The Extraordinary Story of an Afghan'
'Who Dared to Raise Her Voice

ملاله جویا نویسنده زن افغانی و فعال اجتماعی صدای افغانستان پنهان است. صدای مقاومت افغانستان. صدای افغانستانی که چریک‌ها پیش برای حقوق بشر و دمکراسی و استقلال مبارزه می‌کنند. صدای مبارزان افغانی‌ئی که تحت حکومت رژیم خشن کارزای که از سوی آمریکا پشتیبانی می‌گردد، هیچ راء ای ندارند.

ملاله جویا مورد سوء قصد های فراوان قرار گرفته است. ملاله را بخاطر اینکه علنا از حقوق زنان افغانی و همچنین بیرون رفتن آمریکائی/کانادائی‌ها و بیرون رفتن تمامی نیروهای نظامی مسلح ناتو دفاع می‌کند، می‌خواهند بقتل برسانند. وی اعتقاد دارد که تمامی انسانها در افغانستان - بخصوص زنان - باید برای حقوق پایه ای شان (حق آموزش، بهداشت، کنترل بر زندگی و جسم خویش) مبارزه نموده و در این راه خود را سازماندهی کنند. به نظر ملاله آنها در این امر تنها زمانی موفق خواهند شد که اشغالگران خارجی از افغانستان بیرون بروند.

کتاب جدید ملاله ما را فرا می‌خواند تا فعالیت‌هایمان را در به واقعیت پیوستن این هدف دو چندان نمائیم. کتاب جدید ملاله که با عشق به تحریر درآمده است در باره تجربیات بسیار و از جنگ و عاملان جنگ در افغانستان و همچنین در باره این مسئله که چگونه این پدیده موجودیت و زندگی افغانستان را منهدم نموده است، سخن می‌گوید.

ملاله در این کتاب در باره زادگاهش، خاطرات دوران کودکی اش و سنت دیرینه قرن‌ها مقاومت در برابر اشغالگران خارجی قلم فرسائی می‌نماید. نام ملاله از روی نام قهرمانی ملی بنام ملاله مایوند برداشته شده است. قهرمانی که نیروهای افغانی را در سال 1880 به پیروزی در مقابل متهاجمان بریتانیائی یاری رساند و خود در منطقه مایوند به شهادت رسید.

جویا می‌نویسد که چگونه بستگانش تحت اشغال شوروی‌ها (از سال

1979) رنج می کشیدند. آنزمان وی هنوز کودکی خردسال در آغوش مادرش بسر می برد. در این سال ها بسیاری از افغانها از ترس جانشان به کشورهای همسایه پناه می بردند. کشورهایی چون ایران و پاکستان. اکثر پناهندگان در مقرهای پناهندگی ای مستقر گردیدند که ملاله از آنها چون (مقرهای پناهندگان یهودی در جنگ جهانی دوم) یاد می کند. مقرهایی که محل ناچیز و بی ارزش شدن روح ملی و افتخار ملی افغانها بود.

پدر جویا در زندگی وی نقشی بزرگ و تعیین کننده بازی می کرد. وی اصرار داشت که ملاله و خواهر و برادرانش تحصیل نمایند. از این رو خانواده وی از ایران به پاکستان مهاجرت نمود. در آنجا ملاله توانست به مدرسه پناهندگان افغانی راه پیدا نماید. جایی که وی برای اولین بار با جمعیت زنان انقلابی افغانستان (راوا) آشنا گردید و در تماس قرار گرفت. بنیان گذار این سازمان فعال اجتماعی بنام مینا بود که در سال 1987 بقتل رسید:

(www.rawa.org/meena.html)

برای دمکراسی و برای حقوق زنان

ملاله خود عضو این سازمان نگردید اما وی از زنان راوا بعنوان زنان انقلابی نام می برد. زنانی که مبارزه ای بدون مصالحه را برای دمکراسی و حقوق زنان به پیش می بردند. امروز این سازمان از آنجا که منتقد دولت افغانستان است به لحاظ ترس از فشار و دستگیری بطور زیرزمینی در افغانستان مبارزه می نماید.

ملاله در سن 14 سالگی زمانی که خود هنوز در پاکستان به مدرسه می رفت، به جوان های دیگر درس می داد و از این راه هزینه تحصیلی کمی هم دریافت می نمود که به درآمد خانواده اش کمک می نمود. وی تلاش می کرد که زنان را تشویق کند که در کلاس درس وی شرکت نمایند. بعدها وی به سازمان زنان:

Organization for Promoting Afghan Women's Capabilities''
(OPAWC)

پیوست و فعال اجتماعی شد. هدف این سازمان غیر دولتی زنان تلاش برای برقراری آموزش و بهداشت برای زنان و دختران افغانی بود. ملاله در طی 16 سال تبعید شیفته مقاومت و مبارزه فلسطینی ها شد و آنرا تحسین نموده و تصمیم گرفت که بگفته خودش " یک فلسطینی در کشور خودم" بشود.

طالبان ها در فاصله سال های 1996 و 2001 بر افغانستان حکومت نمودند. از آنجا که آنها اعمال خشونت آمیز و موضعی ارتجاعی داشتند حکومت شان در تمامی مجامع مورد تنفر بود.

زمانی که آمریکائی ها در سال 2001 به افغانستان حمله نمودند،

آزادی زنان و رهائی زنان از بند اسارت را به عنوان هدف خویش تبلیغ نمودند. بسیاری از افغان ها امید داشتند که ورود آمریکائی ها به افغانستان برای آنان آینده ای بهتر را به همراه بیاورد. آمریکائی ها در واقع حمله نظامیشان را با پوششی فمینیستی دروغین زمینه چینی نمودند و بانوی اول آنزمان آمریکا لارا بوش گفت که "هدف حمله نظامی آمریکا برقراری حقوق زنان در افغانستان است" و کولین پوول وزیر امور خارجه آمریکا ادعا نمود که "زنان افغانی از حقوق خود محرومند".

جویا می نویسد "از روز اول جنگ معلوم بود که آمریکائی ها کوچکترین قصدی ندارند که از زنان افغانستان پشتیبانی کنند بلکه هدف آنها این بود که به بزرگترین دشمن زنان در کشور یاری رسانند. آن ها از "جبهه شمال" که ائتلافی از کسانی بود که بر ضد طالبان بودند اما درست بمانند طالبان ها برای اعمال شکنجه ساخته شده بودند، پشتیبانی می کردند. تجاوز به زنان برای آنها اسلحه ای بود که مردم را تروریزه کنند. همچنین مردان هم قربانی تجاوزات جنسی شدند. ... حتی کودکان خردسال 4 ساله هم مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند".

زمانی که طالبان ها زیر بمباران آمریکائی ها متواری شدند، جبهه شمال کابل را اشغال نمود. یکی از اولین حرکت های جبهه شمال بعد از اشغال کابل در نوامبر 2001 این بود که راهپیمائی برنامه ریزی شده زنان از میان خیابان های کابل را ممنوع نمود. برای زنان به هیچ وجه شرایط بهبود نیافت.

جویا می نویسد "اگر افغانستان امروز "کشوری شکست خورده است" دلیلش این است که کسانی که قبلا کشور ما را تنها گذاشته بودند، مجددا بر سر قدرت آمده اند".

سال 2006 جویا به شهرستان فرح در افغانستان بازگشت و کلینیکی باز نمود به نام:

Hamoon Health Care Clinic

این بیمارستان سه پزشک داشت و نیم دوجین پرستار و یک مرکز داوطلبانه امداد فوری. دولت این منطقه به جویا اخطار داد که کسی ضمانت امنیت وی را بعنوان سازمانده این پروژه نخواهد نمود. اما در روز بازگشائی مردم منطقه پشتیبانی خویش را به نمایش گذاشتند. مردم وعده کردند که خود برای امنیت بیمارستان اقدام کنند. ملاله صحنه هائی از این همبستگی ها را خود تجربه نمود. وی این همبستگی ها را بعنوان "مقاومت خاموش مردمی که زندگی خویش را به خطر می اندازند تا هم وطنان خویش را نجات دهند" نامید.

افغانستان یکبار دیگر اشغال شده بود. اشغالگران جدید آمریکائی ها

و متحدانشان در ناتو بودند. جویا رهبران افغانستان را که از سوی آمریکا پشتیبانی می شوند متهم نمود که " با نام اسلام و جهاد بر علیه مردم خود جنگ کرده و زنان افغانستان را مورد فشار و ستم قرار می دهند".

وی می نویسد "اکثر مردم غرب بر این باورند که " بدترین فشارها و ستم ها به زنان افغانستان در زمان حکومت طالبان آغاز گردید" اما این یک دروغ است بلکه عاملین اصلی فشار مزمن به زنان افغانستان همین " جبهه شمالی ها" بودند که قبل از طالبان ها و همچنین بعد از طالبان ها نفوذ داشته و امروز بزرگترین تکیه گاه دولت کارزای می باشند. وحشتناک ترین اعمال بر علیه زنان در فاصله جنگ داخلی سال های 90 آغاز گشت آنهم از سوی مردانی که امروز بر قدرت قرار دارند".

چادری که تمامی پیکر و صورت را می پوشاند (بورکه) غالباً بعنوان سمبل فشار طالبان ها بر زنان تعریف می شود اما زنان افغانستان امروز هم مجبور می شوند از این چادر استفاده کنند. آنهم از ترس اینکه مورد تجاوز جنسی و آدم ربائی و یا قتل قرار گیرند. جویا بما اطمینان می دهد که " مردان بسیاری در افغانستان وجود دارند که تفاهم دارند و برای امنیت زنان زندگی خود را به خطر می اندازند". بسیاری از زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و یا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. آنها خود سوزی می کنند تا از شرف خود دفاع کنند. جویا گریان فریاد می زند که افغانستان همواره چون پرنده ای است که تنها یک بال دارد - بال زنان بریده شده است - تا زمانی که فشار و ستم به زنان ادامه داشته باشد، جامعه ما نمی تواند پرواز کند و به پیش رود".

اکنون آمریکا هزاران سرباز دیگر به افغانستان فرستاده است - " با نام مبارزه با طالبان" - . بله جنگ و اشغال برای مردم افغانستان تنها رنج به همراه آورده است. برای میلیاردها هزینه و سیاست نظامی به اندازه کافی پول به جریان می افتد اما برای آموزش و بهداشت و مراقبت از کودکان به اندازه کافی وجود ندارد. جویا کتابش را تقدیم می کند به یاد و احترام بسیاری از زنان که در فاصله اشغال ناتو در افغانستان به شهادت رسیدند - در مبارزه برای خدمت های اجتماعی، در مبارزه برای آموزش، مبارزه برای حقوق زنان و شرایط بهتر زندگی برای کودکان.

جویا می نویسد " در مذهب اسلام نیامده است که زنان باید تحت ستم قرار گیرند. همچنین در مذاهب دیگر هم این مسئله قید نشده است - در برخی از اشکال مسیحیت یا یهودیت و یا هندوئیسم زنان تحت محدودیت های همسان تحت مذهب رنج می بردند - حجاب (روسری یا

چادر) چیز دیگری نیست جز همان شال یا کلاه گیس که زنان سایر مذاهب استفاده می کردند.

صدای مقاومت

ملاله جویا تنها نیست. در سال 2005 وی از سوی مردم شهرستان فرح به عنوان نماینده برای پارلمان انتخاب گردید. وی دومین نفری بود که از بیشترین آراء مردم شهرستانش برخوردار شد. وی تلاش می کرد راهی پیدا کند تا به حکومت مجاهدین افغانی و بنیادگرایان افغانی خاتمه دهد. وی در این باره می نویسد: " من می دانستم که اکثریتی بیشمار از زنان و مردان افغانستان همین هدف را دنبال می کنند".

وی شجاعانه در پارلمان با سیاستمداران بر قدرت و قاچاقچیان و تبهکاران جبهه شمال درگیر گشت. آنها در سال 2007 وی را بعنوان عکس العمل بصورتی غیر دمکراتیک از منطقه راندند. اعضای منطقه وی را به خشونت جنسی تهدید نمودند.

بسیاری از مردم بر علیه این تصمیم دولت منطقه به اعتراض پرداختند. آنها در خیابان های کابل و شهرهای کوچک و بزرگ افغانستان به اعتراض پرداختند و غالباً تظاهرات های مسالمت آمیز مردم با دخالت پلیس همراه گشت. آنها با این توجیح که تظاهر کنندگان را در مقابل خشونت احتمالی محافظت نمایند. در جلال آباد مردان و زنان به سوی دفتر سازمان ملل حرکت نموده و خواهان برگشت جویا به پارلمان شدند. جویا متوجه شده بود که بسیاری از زنان ریسکی بزرگ را بجان خریده بودند که بتوانند وی را انتخاب کنند. آنها از مشکلات بزرگی گذر نمودند. وی به یاد می آورد که مینا بنیان گذار سازمان راوا به او چه گفته بود " زنان افغانستان چون شیرهای خفته ای هستند که اگر بیدار شوند .. نقشی بزرگ را در انقلاب اجتماعی کشور بازی خواهند کرد".

جویا رهبران را لعنت می کند و روی نام آنها تف می کند و می گوید " مردم تک تک این سیاستمداران و جنایاتی را که آنان مرتکب شده اند را می شناسند. آنها بنام اسلام و جهاد صحبت می کنند تا جنگ بر علیه مردم خود را به پیش برند و زنان افغانی را مورد ظلم و ستم قرار دهند. سازمان سیای آمریکا و ای اس ای پاکستان که میلیون ها به کیسه آنها جاری می کنند.

ملاله جویا افغانستان امروزی را " له شده میان دو دشمن" می داند: طالبان از سوئی و نیروهای آمریکا/ ناتو و طرفداران داخلی (جبهه شمال) از سوی دیگر". وی از خود می پرسد که چه اهداف و امیدهایی آن مبارزانی دارند که در رسانه های مطلوب آمریکائی بطورکل با طالبان ها در یک کاسه قاطی می شوند.

آیا به واقع آنها همان اهدافی را دارند که رهبران قصی القلب

دارند. کسانی که در آواخر سال های 90 حکومت می کردند؟ این پرسش ناروشن باقی می ماند.

جويا سخنگوی با شهامتی است که وضعیت و موضع کنونی افغانستان را بیان می کند. وضعیت و موضعی که از سوی دولت کارزای و پشتیبانان ناتویش با سکوت روبرو می شود. جويا در باره اعتقاد راسخ و حرکت های شهامت آمیز بسیاری از زنان افغانستان که چون خود او فکر می کنند می نویسد.

ملاله باور کامل دارد که آنچه که به نقش آمریکا و ناتو ربط پیدا می کند (آنها رهبران جنگ و قاچاقچی ها) را به قدرت رساندند. تصمیم اوباما مبنی بر فرستادن 30000 سرباز اضافی به افغانستان یعنی ادامه سیاست بوش در افغانستان. وی می گوید "خر همان خر است تنها پالانش عوض شده است".

خواست ملاله از تمامی نیروهای خارجی در افغانستان کاملا روشن است: فوراً افغانستان را ترک کنید!

اصل مقاله: A Voice of Resistance in Afghanistan

برگردان به آلمانی: Andrea Noll